



۲۰۱۸/۰۷/۱۰

خلیل الله ناظم باختري

جان جهان



وطن ای منبع فکر و خیالم ز هجر جانگداز تو بنالم
بهار و دشت و دامانته قربان گل و برف زمستانته قربان
عزیزان شهر کابل را بنام ز هجرانش به آتش می گدازم

خوشا آب و هوای قندهارش خوشا شاخ گل و باغ و انارش
ز هرات هر چه گویم گفته ام کم اگر از پیر معروفش نگفتم
فراه، هلمند و بادغیس و ارزگان چخانسور و غنای کوه و دامن

کجا زابل فراموش نظر شد که تا فکر و خیال من به سر شد
به غورات غریبانش بنام به تاریخ نیاکانش بنام
شبرغان، فاریاب و بلخ نامدار سمنگان، کندز و بغلان و تخار

بدخشان را چه گویم پر ز کان است هر آنچه گفتی باشد در آن است
ز لوگرتا به کاپیسا و پروان ز وردک تا به پکتیکا و بامیان
ز غزنی تا به لغمان و کنرها ز پکتیا و ننگرهار زیبا

ز هر شهر وطن گر می کنم یاد به جانم آتشی می گردد ایجاد
کلوخ و سنگ مامثل طلا است تل خاکِ وطن چون کیمیا است
جوانش فاتح و رزمنده باشد الهی دشمنش شرمنده باشد

فروغ بیرقش تابنده باشد الهی ملک ما پاینده باشد

چه بهتر در جهان **ناظم** ز جان است

وطن جان است؛ وطن جان جهان است



الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی